

بمناسبت بیست و دومین سالروز وفات رفیق برک کارمل

بیانیه تاریخی

رفیق برک کارمل

وکیل و لسی جرکه شهر کابل

درباره خط مشی صدر اعظم مؤلف

۱۳ سرطان ۱۳۵۰

بازتایپ و تدوین: قاسم آسمانی

بازنشر: صفحه اینترنتی راه پرچم دسمبر ۲۰۱۸

بمناسبت بیست و دومین سالروز وفات رفیق برک کارمل

بیانیه تاریخی

برک کارمل

وکیل و لسی جرکه شهر کابل

در باره خط مشی صدر اعظم مؤظف

۱۳ سرطان ۱۳۵۰

بازتاب و تدوین: قاسم آسمایی

بازنشر: صفحه استریتی راه پرچم دسمبر ۲۰۱۸

درويشتمه گنه

داولسی جرگی دديارلسمی دوری دوهم کال لمړی.
فوق العاده جريدہ

د اولسی جرگی جريدہ



ښاغلی دکتور عبدالظاهر مؤلف صاحب اعظم اودهه کابینه دولت دنياننده گانوسره داولسی جرگی په تالار کښي دخط مشي دقرائت بحال کښي ليدل کيږي .

روی جلد جريدۀ ولسی جرگه شماره بیست و سوم

سال ۱۳۵۰



رفیق ببرک کارمل وکیل شهرکابل
در دوره سیزدهم ولسی جرگه

شاغلی بیوک کابل و کیل شهر کابل

غراه د براه داه مویون ا

بیوک کادمل وکیل شهر کابل در دلسی جرگه به نامینگی از
مادامان سیاسی برانهاد دموکراتیک خلق افغانستان این پینتاشک



پناغلی بیوک کابل

دیشاری د ا که بر مردم مادوا

داهه ا بر ملا میازد .

دو در دسامه حرف میون نیم

۶۲ سال قبل مشروطه خوانان اول برجم میازد . داعله سلطنت
مطلقه امیر حبیب الله علیه دودن گان امیر با لوم انگلیس د نظم وحشانه
اختناق بر افراشیدنت آنان انقلاب بیونی بودند دبعنه خده ا ز فولاد
ناب که جودد بیوک بپهره مرگه نگر بستنه بکر ا زین فور ما نان
شبهه حیدر متی اهان پردانی - قبل از ادهام در برابر امیر غنیان
با منتقل گوبند . فریاد دودم شکستینه مرگه چانده لعه ای بیش نیست
ولی محاسبه ملت باشا شکستجه ایست ایدی .
بگداد بیا و خاطر ا تا پناه این هیدای داه آزادی ، یاد بکر
بنام د لجهای عظیم خلق با قدرت های مطلقه حاکم با حکومتی های
جا بردولت افغانستان محاسبه کنیم ا

آدمان مای این دلاوران آزاده - ۶۲ سال قبل به بود آتان
میخو استند دولت سلطنتی مطلقه دا بدولت مشروطه دیو کرا تیک
تبدیل کتند استقلال کشود دا بدست اوردنه نفوذ جا مومان خارجی دا
از کشود طرد کتند ، مداخله و قدرت لگام گبهنه احمای خانواد
سلطنتی ، سرداران ، درباریان جا کرمنش ، غلام بیگان ، مصاحبان
وچا پلوسان غایبان ا داد ا مورسپاست دولت افغانستان ا ز میان بردارند
دمو کراسی حکومت قانون د ا برای دادند ولی مستبدین و مرتجعین
دربار به به نهریک مود دران انگلیس غایبنا نه عنوان کرد که
مشروطه خواهی و استقلال طلبی فرهنگ و کفراست (عنا لفعال مدد و کلا)
چانغلی رئیس وکیل صاحب سر مشروع بیا بد لطفاً) ا این سلاح
آزاد و خوانان ادا مشینا نه به خون آتش کشیده نه . در جا لیکه ا نان معاهدین

خدا پرست د با آمانی بود نه که در برابر ارتقاء فاسد دولت از عدل و تقوی ای
صد اسلام ا ذم عقوبات صراحت آزادی خلقهای مسلمان تسه استنادی لری
از دسامه . هر پیکر ا سبید ا در استمساد بیه ا د فاع و پیشپا نی
میگردند . در این مناقضین اعمال ارتجاع امیر با لیستی بودند دهنه
که با لرمهای وحشانه بطور کاذب دبا کارا نه میان تروه های
زحمتکش مسلمان لفاق میانه اند و ظاهراً به بیانه دفاع ا ذین اسلام
لیکم در دنا لیت با عا طره شنی علیه آزادی و استقلال علیه دمو کراسی
دترقی - هراسن دهر آ نیه دا که وطن ا برست و ترقیخواه ، شهتکار
خلق و انقلابیست بیرحمانه مورد تهمت دودلین تراد اده دیدند
چنانچه نهشت جوان دوره امیر امان الله خان غازی را نیز بنام العاد
دیبینی ا ذین برداشته .

(چانغلی رئیس - وکیل صاحب سر مشروع لطفاً گپ بز نیه وکیل صاحب
مامیکوید سر مشروع بیا بد سرخط متنی گپ بز نیه) افغانستان دا یک
مرحله تاریخی دعب انداختند ولاحال تیکه گز هر بر طبقهات سا کم
و حکومتی هیا کلا افغانستان را تشکیل اده ا دهم ا کتونه مویون
تلاش میوزند تا ا داره د زمته ا انقلابی خلق ها دا فلع سازند . ولی
دیگران آرزوهای بلیه دا با خود بگور خواهند برد
زیرا دیگر نبردهای پیشرو خلق ما ، میازد ا بنشارد لیر افغان
این برجه ا دان خلق افغانستان در نش بیکار د اعلی ا لزم مشکلات
عظیم ترودو حث ، حبس و زندان ، دو موف مقدم میازد . علیه
تمام جنایات طبقات حاکم علیه ارتجاع دامیر با لرم ، علیه تمام
حکومت های مستنکر دولت افغانستان بر افراشته ا نش - بجان دهنان
قسم خودد خلق بر ا ر دخته اند .

حکومتی های دولت افغانستان بشمول حکومت صد و اعظم مؤلف
دو کشود هید ا لظا هر صمه به لیا بندگی ا طبقات حاکم مرتجع استناد کر
افغانستان (غال لغال و کلا ، چانغلی رئیس - وکیل صاحب لطفاً سر مشروع
گپ بز نیه . سرخط متنی لطفاً گپ بز نیه) حلقه های سیاه ، بنک سلسله
انده که خلق کشود ما را بزبور کشیده اند . بدینهت ماد و پرا بر
تمام حکومتی های دولت افغانستان بی اعتمادی سریع د فاعل خود را
سر سختا نه اعلام کرد ا بوم د بکم ا داره خلق افغانستان بحکومت
که نیز افای هید ا لظا هر ذی اعتماد ندیمد . ز ا ر ا وضع هلاکتیاد
کتونی کشود ما مبین ا بنهقیبت ا لخال ناب ا بر است که حکومتی های افغانستان
بنابر ماهیت بلطانی خود هرگز میوانند مردم د لکشیده ماد ا ا ز
فقر و ظلمت بیجات دهنند .

صحبت ببرک کارمل
وکیل ولسی جرگه شهر کابل
در جلسه رای اعتماد به حکومت مؤلف داکتر عبدالظاهر

بناغلی ببرک کارمل وکیل شهر کابل:

خواهران و برادران هموطن!

ببرک کارمل وکیل شهر کابل در ولسی جرگه به نمایندگی از سازمان سیاسی پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان این پیشآهنگ راستین طبقه کارگر کشور، در مباحثه راجع به اعتماد بر حکومت صدراعظم مؤلف دوکتور عبدالظاهر و خط مشی ضد ملی و ضد دموکراتیک شان به دفاع از حقوق و شرافت خلق و به افشای دشمنان خلق می پردازد. خیانتها، ظلم ها و ستمگری های بیشماری را که بر مردم ما روا داشته اند، بر ملا میسازد.

روبرو و ساده حرف میزنیم!

۶۲ سال قبل مشروطه خواهان اول، پرچم مبارزه را علیه سلطنت مطلقه امیرحیب الله، علیه درندگان امپریالیزم انگلیس و نظم وحشیانه اختناق برافراشتند. آنان انقلابیونی بودند ریخته شده از فولاد ناب که جسور و بیباک بچهره مرگ نگریستند؛ یکی ازین قهرمانان شهید محمدعثمانخان پروانی قبل از اعدام در برابر امیر غضبناک با منطق

کوبنده فریاد زد: «شکنجه مرگ ما چند لحظه ای بیش نیست؛ ولی محاسبه ملت با شما، شکنجه ایست ابدی»

بگذار بیاد خاطره تابناک این شهدای راه آزادی، باردیگر بنام رنجهای عظیم خلق با قدرت های مطلقه حاکم با حکومت‌های جابر دولت افغانستان محاسبه کنیم!

آرمان های این دلاوران آزاده - ۶۲ سال قبل چه بود؟ آنان میخواستند دولت سلطنتی مطلقه را بدولت مشروطه دیموکراتیک تبدیل کنند، استقلال کشور را بدست آورند، نفوذ جاسوسان خارجی را از کشور طرد کنند، مداخله و قدرت لگام گسیخته اعضای خانواده سلطنتی، سرداران، درباریان چاکرمنش، غلام بچگان، مصاحبان و چاپلوسان خائن را در امور سیاست و دولت افغانستان از میان بردارند؛ دموکراسی حکومت قانون را برپا دارند؛ ولی مستبدین و مرتجعین دربار به تحریک مزدوران انگلیس خائنانه عنوان کرد که مشروطه خواهی و استقلال طلبی شرک و کفر است. به این سلاح آزادیخواهان را وحشیانه به خون و آتش کشیدند. در حالیکه آنان مجاهدین خدایپرست و با ایمانی بودند که در برابر نظام فاسد دولت از عدل و تقوای صدراسلام از مقتضیات عصر، از آزادی خلقهای مسلمان تحت استعمار فرنگی، از روحانیون شریف ضد استبداد و ضد استعمار صمیمانه دفاع و پشتیبانی میکردند. ولی این منافقین و عمال ارتجاع امپریالیستی بودند و هستند که با نعره های وحشیانه بطور کاذب و ریاکارانه میان توده های زحمتکش مسلمانان نفاق میاندازند و ظاهراً به بهانه دفاع از دین اسلام، لیک در واقعیت بخاطر دشمنی علیه آزادی و استقلال، علیه دموکراسی و ترقی - هر آنکس و هر آنچه را که وطن پرست و ترقیخواه، خدمتگار

خلق و انقلابیست بیرحمانه مورد تهمت دروغین قرار داده و میدهند. چنانچه نهضت جوان دوره امیر امان الله خان غازی را نیز بنام الحاد و بیدینی از بین برداشتند. افغانستان را به یک مرحله تاریخی عقب انداختند و تا حال تکیه گاه شریر طبقات حاکم و حکومت‌های جفاکار افغانستان را تشکیل داده اند و هم اکنون مذبحخانه تلاش میورزند تا اراده رزمنده انقلابی خلق ها را فلج سازند. ولی دیگر این آرزوهای پلید را با خود بگور خواهند برد!

زیرا دیگر نیروهای پیشرو خلق ما، مبارزان پیشتاز دلیر افغان این پرچمداران خلق افغانستان درفش پیکار خلق را علی الرغم مشکلات عظیم ترور و وحشت، حبس و زندان، در صفوف مقدم مبارزه علیه تمام جنایات طبقات حاکم، علیه ارتجاع و امپریالیزم، علیه تمام حکومت های ستمگر دولت افغانستان برافراشته و آتش بجان دشمنان قسم خورده خلق بر افروخته اند.

حکومت‌های دولت افغانستان بشمول حکومت صدراعظم مؤظف دوکتور عبدالظاهر همه به نمایندگی از طبقات حاکم مرتجع استثمارگر افغانستان، حلقه های سیاه یک سلسله اند که خلق کشور ما را به زنجیر کشیده اند. بدینجهت ما در برابر تمام حکومت‌های دولت افغانستان بی اعتمادی صریح و قاطع خود را سرسختانه اعلام کرده ایم و بحکم اراده خلق افغانستان بحکومت شما نیز آقای عبدالظاهر رای اعتماد نمیدهیم. زیرا وضع فلاکتبار کنونی کشور ما مبین این حقیقت انکارناپذیر است که حکومت‌های افغانستان بنا بر ماهیت طبقاتی خود هرگز نمی توانند مردم رنجکشیده ما را از فقر و ظلمت نجات دهند.

این حقیقت در اصول مرامی ما، در صدها بیانیه و مبارزات پارلمانی و خارج پارلمانی ما، در نشرات جراید خلق و پرچم ما - در اعلامیه ها و قطعنامه های ما - در صدها مارش و میتنگ، تظاهرات و اعتصابات ما، در اجتماعات و کنفرانسهای ما در تبلیغات و مبارزات انتخاباتی ما در سراسر کشور، علماً پیشینی و توضیح گردیده است. چنانکه باصطلاح خط مشی بناغلی عبدالظاهر گواه زنده آنست.

آقای عبدالظاهر! برای يك وطن پرست وارد به مسائل ملی کافی است که در همان برخورد اول به وضاحت خصلت ایدیولوژی بورژوا امپریالیستی خط مشی حکومت شما را تشخیص دهد. قسمت عمده خط مشی شما که در آن فقر سواد سیاسی و تیوریک کاملاً نمایان است؛ محتوی يك سلسله عبارات مجرد، بی ربط، غیرعملی، پر از مجامله، دعاگوئی و آرزوهای فریبنده و سرآب ماندنیست که هیچگونه تضمین و تعهد اجرا ندارد و فاقد مطالبی در زمینه اصلاحات سیاسی، آزادی های دموکراتیک، تحول اقتصادی و اصلاحات اجتماعی و فرهنگی، ترقی و رفاه عمومی مردم ما میباشد که باید از هم اکنون مبارزه علیه آنرا شجاعانه آغاز کرد.

بناغلی صدراعظم مؤظف! آن عقیده شما، از مرکز بطرف چپ چه شد؟ این خط مشی شما که از راست بجانب راست افراطی تأسف انگیز است. در خط مشی گفته میشود «جامعه دموکراتیک ما»، این دیگر صاف و پاک فریب خلق است. جامعه فئودالی را بنام جامعه دموکراتیک جازدن بی دانشی محض و پل پای دزدان و دشمنان دموکراسی را پوشاندن و خاک زدن به چشم مردم است.

بناغلی صدراعظم مؤظف! شما (که میگویند شاید آخرین تیر قانون اساسی باشید و در قبال آن با زور سر نیزه تهدید و شانتاژ میکنند) وقتی در دوره (۱۲) ولسی جرگه ادعا میکردید که وجود فرکسیون مخالف چپ در پارلمان برای رشد دموکراسی ضرور است، حالا بشنوید: شما که طی پنج حکومت اخیر- وزیر- رئیس شورای ملی و نائب رئیس لویه جرگه، معاون صدراعظم، رئیس اولسی جرگه و سفیر نیز بوده اید و اکنون با این خط مشی پادروها که بیشتر به يك مقاله عادی جراید حکومتی شباهت دارد تا به خط مشی یک حکومت، و با يك عده وزرای فاقد ماهیت دموکراتیک و جدا از خلق مدعی حکومت به محروم ترین، مظلوم ترین و عقب مانده ترین مردم جهان یعنی خلقهای افغانستان هستید، دیگر با ماشین اداره کهنه و شکنجه دهنده دولت افغانستان از جان مردم فقیر ما چه می خواهید؟ آخر جز پوست و استخوان چیزی برای توده های بلا کشیده ها باقی نگذاشته اند. هر آنچه داشتند میلیاردها - میلیاردها غارت کردند، دزدیدند و برای روز آینده در بانکهای دوستان امریکائی و انگلیسی خود تحویل دادند. مضحك است که در خط مشی گفته میشود «اجراءت حکومت من ... در حدود توانائی مالی دولت خواهد بود» آقایان، دولت شما دیگر توانائی مالی ندارد، در افلاس است والسلام! عجب جسارتی که بازهم در خط مشی «سهمگیری فعال کافه هموطنان» را توقع دارند.

دردا اینکه سالانه بخش بزرگی از عواید ناچیز دولت (بیت المال) را حیف و میل و اختلاس میکنند و بازهم این ده ها سال است که زمامداران وابسته و چاکرمنش

افغانستان با پررویی میگویند دولت عاید و پول ندارد باید صبر کرد آهسته آهسته همه کارها خوب میشود (!)

ای جفاکاران کهنه کار بازهم غارت و تحمیق میکنید ولی دیگر باید آگاه بود که آفتاب شما بر لب بام رسیده - دور نیست که در دادگاه خلق در روز رستاخیز ملی محاکمه و مجازات شوید.

شما قدرت های حاکم - شما زمامداران کشور- شما طبقات و محافل حاکم - شما ملاکان و سرمایه داران بیرحم - شما اشراف فئودال - شما تاجران بیروکرات فاسد - شما نمایندگان حاکم - شما حکومتی ها - آخر يك حساب بمردم بدهید. ده، بیست، سی، چهل سال قبل شما و پدران تان چه داشتید. شما را بخدا آخر بگویند این میلیاردها ثروت از خون ملت فقیر ما را چگونه بدست آوردید. والله ابلیس هم بحساب شما نمیرسد. آخر چرا وجدان های شما تکان نمی خورد، هم اکنون هزاران نفر هموطن ما حتی بفروش فرزندان خویش میپردازند تا لقمه نانی بدست آورند. گرسنگی و بیماری گروه گروه مردم ما را، کودکان ما را بکام مرگ فرو می برد.

عالیجنابان که بر کرسی های قدرت تکیه زده اید این داغ ننگی است که هزاران نفر هموطن ما از فقر و بدبختی، از قحطی و قیمتی به رژیم نظامیگر پاکستان پناه میبرند و در آنجا مجبور میگردند بحیث سربازان اجیر در سرکوبی نهضت بنگله دیش شرکت کنند و مردم بنگال شعار ضد « پنجابی پتان» بدهند.

شرم آور است باز هم یاوه سرائی می کنید و عوام فریبانه لاف خدمت به وطن میزنید.

علت عمده فقر، قحطی و قیمتی غله نظام فئودالی است که قوای سه گانه دولت - حکومت - شوری و قضا در خدمت آنست، نه آنچه که در خط مشی بان سطحی برخورد گردیده است.

باید این نظام نفرت انگیز فئودالی را هر چه زودتر برانداخت و نیروهای تولیدی را از قید اسارت آزاد ساخت.

هم اکنون فریاد گرسنگان و دهقانان در سراسر کشور بالاست، ولی با تهدید سرنیزه خاموش میگردد. مرگ بر قدرت سر نیزه که بر روی مردم کشیده میشود.

دلخراش و ننگین است که هنوز میلیون ها انسان کشور ما در شرایط رقتبار ماقبل تاریخ - در شرایط فلاکتبار قبیله وی و کوچیگری که در خط مشی از آن نامی هم برده نشده است بسر می برند؛ هنوز پوشاک توده های فقیر ما پوست بز، وسیله کار شان چوب و سنگ، خوراک شان گیاه های وحشی، خانه های شان دخمه های مرگ است.

آقای عبدالظاهر!

اینک نمونه نان ایکه خوراک توده های فقیر ماست که مرکب از گیاه تلخ و آلوده به جو است بشما اهدا میکنم. بیا این را ببرید.

بازهم باور ندارید به کنرها - بدخشان - هزاره جات - غوروات - پکتیا - لغمان - نورستان - پنجشیر - فراه - نیمروز و یا سایر ولایات کشور بروید و نتایج کارنامه های سیاه حکم فرمائی تانرا مشاهده کنید. توده های عظیم دهقانان این نیروی عمده جنبش انقلابی کشور زیر چنگال آهنین قرضهای سودخوران - ستم و استثمار وحشیانه طبقه مالکین - مالیاتهای سنگین - بیروکراسی و اداره فاسد محلی و مرکزی ظلم و جور والی ها - ولسوالها - خارنوال ها و قاضی ها - پولیس و ژاندارمری شکنجه میکشند؛ صدها هزار دهقان از زمینهای خود رانده شده اند و زمینهای آنها را مالکین و زمامداران ظالم غصب کرده اند.

- دهقانان فریاد میکشند: - نان - آب - زمین، ولی خط مشی عبدالظاهر در باره ظالمانه سکوت میکند.

دیگر راه نجات برای دهقانان نیست جز اینکه اصلاحات ارضی دموکراتیک بشود و بشرکت همه دهقانان زحمتکش اجرا گردد.

طبقه کارگر کشور این سرکرده نهضت انقلابی، بیرحمانه استثمار میشوند، حداکثر کارگران بیش از پنجمد افغانی دستمزد ندارند در حالیکه تنها قیمت یک سیر آرد گندم تا (۱۴۰) افغانی در نوسان بوده است.

شما حکومتهای مستبد افغانستان - کارگران را از تمام حقوق دموکراتیک از تشکیل اتحادیه ها محروم ساختید. در دفاع از چند سرمایه دار دلال و آمرین ظالم، نهضت های اعتصابی و تظاهرات کارگران کارخانجات جنگلک - کابل - گلپهار - پلخمری -

قندز - مزار - ننگرهار و مارش ظفرنمون کارگران شبرغان را بیرحمانه سرکوب کردید. ده ها هزار کارگر را محروم از کار ساختید و عده ای از آنها را روانه زندانها گردید. رنج بیکاری - فقر و فقدان اطمینان بفردا، زندگی را برای خلق کارگر ما غیرقابل تحمل ساخته است کارگران کار - افزودی دستمزد - بهبود شرایط کار و اتحادیه های کارگری میخواهند

کارگران دورانساز افغانستان - آینده از آن شماست از مشکلات نترسید - پرچم نهضت کارگری کشور را شجاعانه سربلند نگهدارید!

مرگ بر دشمنان طبقه کارگر!

شما حکومتها!

کسبه کاران پیشه وران و دکانداران خورده فروش را ورشکست کردید. حقوق مامورین متقاعد نظامی و ملکی را زیرپا کردید، در برابر نهضت روشنفکری اعم از شاگردان و محصلان، معلمان و استادان مکاتب لیسسه ها و پوهنتون و مامورین پائین رتبه با تحقیر و خشونت معامله کردید، هزارها تن از جوانان کشور را از حق کار و تحصیل محروم ساختید و از فرهنگ فتودالی استعماری دفاع کردید.

حمله وحشیانه ژاندارم و پولیس علیه جوانان در (۳) عقرب این روز جوانان افغان، در ۲۳ و ۲۹ ثور مخالفت علیه تشکیل اتحادیه دموکراتیک و ملی محصلان و اساسنامه وطن پرستانه آن که در نتیجه مبارزه متحدانه محصلان بروز ۱۵ جوزا اعلان گردید، برخورد غیرقانونی و تشدد آمیز در مورد خواستهای شاگردان معارف

و اهالی وطن پرست هرات و مزار - میمنه و کندهار - غزنی و دیگر ولایات کشور همه مظاهری از ستمگری و تجاوز بحقوق و آزادی های مردم بوسیله شما حکومت های افغانستان است.

شاگردان و محصلان سیستم تعلیمی مترقی و تحصیلات عالی می خواهند!

برخورد تحریک آمیز حکومت و عمال امپریالیزم آلمان غرب در برابر مردم رنج کشیده پکتیا بخصوص درین اواخر علیه شاگردان لیسه های گردیز و خوست محکوم و نفرت انگیز است. تا جایکه باعث تصادم میان پدران و پسران وطن پرست و تشدید نفاق و تصادمات میان قبایل سلحشور پکتیا گردیده است. باید به حکومت نظامی در پکتیا خاتمه داده شود.

شما حکومت های افغانستان تبعیضات مذهبی اعم از سنی و شیعه و نژادی، قومی و قبیله وی، لسانی و فرهنگی محلی منطوقی را در میان خلق های برادر پشتون، تاجیک، هزاره، این غرجستانی های ستمکش ازبک، ترکمن بلوچ و غیره دامن میزنید، تخم نفاق و تفرقه میپاشید و حکومت میکینید. زبانهای ازبکی، ترکمنی و بلوچی افغانستان را مختنق ساختید.

باید راه تکامل فرهنگ های ملی و زبانهای افغانستان اعم از پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی و بلوچی و غیره از طریق دموکراتیک هموار و ستم ملی ریشه کن گردد.

هم اکنون تحت قدرت شما، توده های عظیم زنان نجیب افغانستان عملاً فاقد هرگونه حقوق دموکراتیک هستند و در تحت ستم و تبعیض وحشت و ترور، رعب و ترس

ارتجاع بسر می برند که شما صدراعظم مؤظف در خط مشی تان حتی جرأت تماس به آنرا نداشتید.

دستگاه پولیس و ضبط احوالات شما در تحت نفوذ سازمان های جاسوسی سی، آی، ای و آلمان غرب تفتین و بیداد میکنند. وضع زندانهای تان فاجعه انگیز است و هر روز صدها توطئه و دستبرد، تجاوز مشهود و بیشرمانه بر آزادی های مصرح در قانون اساسی، بر استقلال قوه قضایه، بر اعلامیه حقوق بشر که عوام فریبانه بان تعهد سپرده اید، بعمل می آورید. در انتخابات شوری مستبدانه مداخله کردید. قانون شاروالیها، احزاب جرگه های ولایتی را ملتوی ساختید. باوجود اینکه دوکتور عبدالظاهر مذبوحانه تلاش ورزیده است که در خط مشی خودرا شامپیون قانون وانمود کند، ولی اصلاً از تطبیق قوانین فوق الذکر دم نزده است.

بناغلی صدراعظم مؤظف، در خط مشی تان از انارشی، بی نظمی، اخلال، امنیت، خودسری، قانون شکنی، تقویه دستگاه امنیت، تعقیب عدلی و تأمین امن و نظم فراوان حرف زده اید و روی آنها بخصوص تاکید کرده اید. در اینجا لازم میافتد که به تمام رفقا و دوستان و تمام نیروهای ترقیخواه وطن پرست هشدارباش دهیم که لبه تیز و هدف ازین کلمات تهدید نهضت آزادی بخش ملی کشور و سرکوبی آشکار، قساوت کارانه و خشن پولیس آنست که بوسیله قانون گذاری ضد خلق و به بهانه حاکمیت قانون بکار برده خواهد شد؛ لذا باید تمام نیروهای ملی و مترقی کشور نسبت به هر وقت دیگر تفرقه میان خود را کنار بگذارند و در یک جبهه وسیع مبارزه فشرده باهم، متحد شوند و نقشه شوم ارتجاع را فلج سازند. زیرا اگر استعمال این کلمات و

عبارات اقلأ بغرض دفاع از همین دموکراسی صوری و قانون اساسی هم می شود باید این دسته باصطلاح هواداران قانون اساسی در خط مشی خود صریحاً واضح می ساختند که دشمن نظم و امن عامه و دشمن آزادی و ترقی و ملت و وطن محافل ارتجاع سیاه داخلی، منتفدین محلی، فتنه انگیزان، فعالیت‌های تخریبکارانه امپریالیستی و در مرکز آن اداره فاسد دولت و نظام فرتوت فئودالی و قبیلولی است که موجب خودسری‌ها قانون شکنی‌ها، اخلاگری‌ها، انارشی‌گری‌ها، تحریکات و تکتیک‌های نفاق و خدعه و هرج و مرج میگردند و مانع عمده در راه تطبیق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی هستند و حقوق و آزادی‌های دموکراتیک مردم، کرامت و فضیلت انسانی را لگد کوب میکنند.

باید در راه تطبیق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی بیدریغ مبارزه کرد. شما حکومتی‌ها در تبلیغات دروغین تان، در پروگرام‌ها و خط مشی پر از نیرنگ و عوام فریبانه تان از آزادی، عدالت و دموکراسی و حاکمیت قانونی دم میزنید در حالیکه عملاً قانون جنگل در کشور حکم فرماست. طبقات حاکم و گماشتگان شما چون گرگان درنده خوی بجان و مال مردم افتاده اند.

راستی منظور تان از این دموکراسی چیست؟ آخر چرا مردم ما را گول میزنید دموکراسی طبقاتی موجود شما اصلاً وسیله مظالم و تاخت و تاز برای مستبدین، مرتجعین و منتفدین محلی است که مشت ناچیز از ملت را تشکیل میدهند. در واقع دموکراسی طبقاتی موجود دموکراسی سر و دم بریده، جعلی و سالوسانه ایست که برای توانگران در حکم سعادت و برای رنجبران و زحمتکش‌شان در حکم دام فریب

است. به یقین که نورچشمی های فاسد طبقات حاکم از هرگونه آزادی تا دستبرد بجان و ناموس مردم برخوردار اند.

آقایان صاحبان قدرت، چرا از تشکیل مستقل احزاب، از اتحادیه های کارگران، دهقانان و محصلان میترسید؟ چرا از آزادی بیان، تظاهرات و اعتصابات میترسید؟ چرا از بیداری، اتحاد و تشکل خلق میترسید؟ معلوم است برای اینکه شما من حیث ماهیت تان ضد دموکراتیک و ضد خلق هستید و امتیازات بزرگ طبقاتی و بقای شما را بمخاطره می اندازد.

شما محافل حاکم تلاش میورزید که به مثابه کاریکاتوری از سیاست ناکام رژیم حاکم ایران و رژیم خون آشام پاکستان میمون وار تقلید کنید. باین معنی که غولهای انحصارات امپریالیستی امریکا، آلمان غرب، جاپان و انگلستان و حتی خود ایران و پاکستان را در کشور وسیعاً مسلط گردانید و به وسیله ایجاد احزاب دستوری و فرمانبردار حاکم، از «دموکراسی» یک قیافه مسخ شده و کاذب ترتیب دهید.

باید علیه احزاب چاکرمنش - در راه دموکراسی واقعی - حقوق و آزادی های دموکراتیک - آزادی مطبوعات ملی و متری - تشکیل مستقل احزاب دموکراتیک و وطن پرست - اجتماعات و سازمانهای توده ای دلیرانه مبارزه کرد!

هموطنان! باید توجه داشت حکومتهای که در وضع کنونی بوجود میاید مولود تضادها، دسایس و قدرت طلبی های جناح های مختلف محافل حاکم بوده و وسیله

فریبده و زجر دهنده بیش نیستند و نفوذ و مداخله قدرتهای امپریالیستی در آنها مشهود است.

دستهای مداخله گران خارجی از امور داخلی کشور ما کوتاه!

محافل مرتجع حاکم و محیل افغانستان بوسیله تحریکات ارتجاع سیاه افراطی قسداً دهشت افگنی و اخلاگری میکند تا بهانه برای از بین بردن کامل آزادی های مصرح در قانون اساسی و سرکوبی خونین نهضت رهایی بخش ملی بدست آورند و بی پرده و آشکارا دیکتاتوری فردی و حکومت وحشیان اختناق را استحکام بخشند.

باید نیروی ارتجاع سیاه افراطی را جدی گرفت. نباید هشیاری را از دست داد. باید جبهه وسیع از منورین وطن پرست را علیه این دشمن عمده خلق تشکیل داد و آنرا بی امان درهم کوبید.

شما حکومتهای افغانستان جرم عظیمی را در جلوگیری از صنعتی ساختن کشور در حفظ و تقویه مناسبات فئودالی، زندگی هلاکتبار قبیلوی و کوچی گری، نظام فرسوده و ظالمانه مالیاتی - تجارت درهای باز و نفوذ تاجران و انحصارات خارجی مرتکب شده اید که در نتیجه آن اکنون افغانستان عقب مانده ترین کشور جهان است.

هیئت حاکمه افغانستان درک کرده که بدون یک تکیه گاه دیگر طبقاتی ممکن نیست بقدرت و سلطه خود ادامه دهد. بدینجهت در پالیسی اقتصادی حکومت ها، گرایش جدیدی برای تقویت سرمایه داری بیروکراتیک و کمپرادوری و غولهای انحصارات خارجی در کشور هویدا است.

دادن امتیازات و تضمین های فراوان و بالاتر از قانون اساسی برای سرمایه داران داخلی و خارجی در قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی، در قانون سیاه بانکهای صنعتی که در دور حکومت بناغلی اعتمادی روی فشار و دسیسه در جریان افتاد، همه مبین سیاست ضد ملی دولت افغانستان بخاطر ایجاد تکیه گاه جدید و نفوذ روز افزون استعمار نوین است.

بدین جهت بی ارتباط نیست که شما بناغلی عبدالظاهر بر مبنای تعقیب جاده سرمایه داری که به وال استریت میانجامد، در خط مشی تان قویاً راه را برای نفوذ و سلطه انحصارات خارجی امپریالیستی زیر نام سرمایه گذاری خصوصی خارجی به قیمت تخریب سکتور عامه اقتصاد رسماً و علناً باز کرده اید و بصورت فریبنده یکی از عوامل فقر مالی دولت و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور را بغلط و ناشیانه نتیجه کمک ها و قرضه های ثمربخش و مساعد در ساختمان زیربنای اقتصادی کشور دانسته اید. اگر اندکی مصالح ملی در نظر می بود باید میان کمک های مساعد و ثمربخش که به نفع ایجاد اقتصاد ملی کشور میانجامد، از یکسو و قرضه های اسارت آور و استثماری مانند سرمایه گذاری های اقتصادی غیرمفید در پروژه های بزرگی ولی مرده وادی هلمند، برق ماهییر و میدان هوایی قندهار، از سوی دیگر خط روشن ملی می کشیدید. اگر يك سنجش وطنپرستانه و بسیط حسابی وجود میداشت تشخیص میدادید که تنها یک قلم حاصل فروش گاز بخش عمده ای از کمکها و قرضه های مساعد ثمربخش و طویل المدت را که در عرصه ساختمان زیربنایی اقتصادی کشور ما صورت گرفته تکافو میکرد.

ازینجاست که نظریات ناقص و ضدملی اقتصادی شما در خط مشی عیناً تعقیب نظریات مشاورین اقتصادی کشورهای امپریالیستی و سازمان های مالی آنهاست که ساختمان زیربنای اقتصادی کشور را اقتصاداً غیرمفید اعلان کرده اند تا بدین ترتیب راه را برای استثمار بوسیله میلیونرهای امریکایی، جرمنی، جاپانی، انگلیسی و غیره در کشور هموار سازند.

آقای عبدالظاهر شما بغلط و بدون فهم الفبای علم اقتصاد و جامعه شناسی مواد ده گانه مندرج در خط مشی را عامل و علت مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فقر مالی دولت و عدم سرعت رشد اقتصادی کشور وانمود کرده اید در حالیکه این مواد برای ما یک سند افشاگری و اعتراف و محکومیت تمام حکومت‌های افغانستان است؛ ولی علماً آنها همه معلول هستند نه علت. عامل عقب ماندگی و مشکلات عظیم کشور ما همانا نظام فرسوده و ظالمانه اقتصادی - اجتماعی امپریالیزم و دولت افغانستان است.

آقای عبدالظاهر شما با این خط مشی تان بدون اینکه راه های حل علمی و اساسی فقر اقتصادی تقویه مالی دولت و ایجاد يك اقتصاد ملی را نشان دهید، بسیار ماهرانه از لحاظ ایدئولوژی در موضع دفاع از عوامل اساسی عقب ماندگی کشور یعنی ملاکان بزرگ، سرمایه داران بزرگ وابسته به امپریالیزم و استعمار نوین این دشمنان ترقی و پیشرفت افغانستان قرار گرفته اید و اجرای همه وظایف خطیر کشور را صرفاً حواله به وضع قوانین کرده اید این دیگر هذیان است. باید خاطر نشان ساخت که عادلانه ترین و دموکراتیک ترین اقتصادی هم نمی تواند بدون يك دولت دموکراتیک

بدون حاکمیت خلق بدون تحولات اساسی و بنیادی اجتماعی و اقتصادی بصورت مجرد حاکمیت خود را در یک کشور تحت شرایط قرون وسطایی - مثل افغانستان تضمین کند. پس معلوم است قوانین اقتصادی و مالی را که شما خواهان آن هستید برای حفظ منافع طبقات ارتجاعی است نه به نفع خلق. لذا باید در برابر چنین حاکمیت قانون که مظهر حاکمیت زورمندان مرتجع است بی امان مبارزه کرد.

باز هم باید خاطر نشان ساخت گفتار ما با این معنی نیست که ما طرفدار حاکمیت و وضع قانون نیستیم؛ ما جداً طرفدار وضع و حاکمیت قانون هستیم؛ ولی حاکمیت قانون دموکراتیک و نفع توده های مردم افغانستان. به پیشگاه مردم افغانستان اعلام میدارم که کندی رشد اقتصادی، فقر و قحطی و قیمت کنونی عمدتاً ناشی از سیاست غلط و ضد ملی دولت افغانستان به جهت سرمایه داری که کمپرادوری یعنی سرمایه داری وابسته به امپریالیزم و تقویه تشبثات خصوصی داخلی و خارجی، تضعیف و بدنام کردن سکتور عامه اقتصاد، تسلیم شدن به نظریات و نفوذ مشاوران اقتصادی کشورهای غربی مانند ای آی دی و گروپ نیتن امریکائی، هندرکسن آلمانی، صندوق پولی بین المللی، بانک جهانی و آسیایی میباشد که در اثر آن طی چند سال اخیر قیمت های عمومی در حدود (۲۰۰) فیصد افزایش یافته و ارزش افغانی فوق العاده پائین آمده است، قیمت گندم طی ده سال اخیر (۶) شش مرتبه بالا رفته است و در فیصدی آهنگ رشد به تناسب ۲،۹ فیصد افزایش نفوس پرتگاه فقر و عقب ماندگی کشور ما را عمیقتر ساخته است.

عواید ملی ما پست ترین عواید ملی جهان است.

امپریالیست ها از طریق صدور سرمایه و اموال در کشور ما و تجارت نابرابر شعبه بازی با قیمت ها و مظنه اسعار، قرضه های اسارت آور و اعمال فشار از جانب سازمانهای مالی بین المللی، کمک به محافل ارتجاعی و بموازات آن قاچاقبری و غارت آشکار زمامداران و زورمندان، تجارت دلالی از طریق بانک ها با کشورهای سرمایه داری، فساد در دافغانستان بانک، اختلاس و نشر خودسرانه میلیاردها افغانی بحساب ملت همه در یک جبهه سیاه اقتصادی دست بهم داده، عامل و باعث استثمار وحشیانه توده های میلیونی ما، فقر، رکود و مشکلات اقتصادی و مالی کشور ما و تاراج معادل میلیاردها دالر - برابر به بیش از صد سال تولید ملی دولت و چپاول دردهای ملی ما گردیده اند.

لیکن خط مشی حکومت مؤظف در تمام این عرصه ها بازهم بیرحمانه سکوت کرده است.

بناغلی دوکتور عبدالظاهر! خط مشی شما راهیست پر از رنج و عذاب برای مردم ما، راه نجات درین عرصه راهیست که باید بانکها و تجارت خارجی ملی گردد؛ سکتور عامه اقتصاد تقویه شود و کشور صنعتی گردد.

دارائی های غارتگران بیت المال و دزدان ثروتهای ملی کشور، رشوه خواران، زمین خواران و خائنین به ملت باید مصادره و ملی گردد، تمام انحصارات و تاجران خارجی از کشور طرد گردد.

مؤجز اینکه مهمترین، عمده ترین و حیاتی ترین مسأله کشور ما را پیشرفت سریع

اقتصادی تشکیل میدهد که در قلمرو روینایی، دولت افغانستان مانع شده است.

حکومت‌های افغانستان در عرصه سیاست خارجی غالباً سیاست توازن، معامله‌گری و سازش با رژیم‌های ارتجاعی را بجای سیاست بیطرفی فعال و مثبت به حساب آورده‌اند. از همه ضد ملی تر اینکه در متن چاپی پشتو و دری خط مشی کنونی بناغلی عبدالظاهر حداقل اصطلاح سیاست بیطرفی مثبت و فعال نیز برای اولین مرتبه و قصداً بیباکانه و علناً حذف گردیده بود که در اثر صدای اعتراض من با تشویش و نا آرا می خاص، با کراهت خاطر و بدون اعتقاد به آن مصنوعاً و ظاهراً و فی المجلس اصطلاح سیاست بی طرفی فعال و مثبت را در خط مشی اصلاح و علاوه کردند؛ ولی دیگر سودی ندارد نقشه و اندیشه درونی سیاست خارجی شان در زمینه آشکار گردیده است. و اگر چنین نیست تعجب آور است که چطور حیاتی ترین پرنسیپ سیاست خارجی افغانستان که مظهر اراده تاریخی و صلح جویانه مردم افغانستان است اهمال و فراموش می شود و از چاپ می افتد (!)

همچنان بکاربردن مجرد اصطلاح قضاوت آزاد، از نظر سیاسی می تواند سازش با نیروهای جنگ، تجاوز امپریالیزم و در راس آن امپریالیزم امریکا، این ژاندارم بین المللی، وضدیت علیه نیروهای صلح، آزادی و ترقی در جهان تحریف و توجیه گردد. اگر چنین نیست اقلأً چرا در خط مشی اشاره ای هم به کنفرانس های باندونگ، بلگراد، قاهره و لوساکا نشده است، و صرفاً با یک تذکر سطحی در مسأله پشتونستان و شرق میانه و دیگر تمام مسائل جدی جهانی، نهضت‌های آزادی بخش ملی خلق‌های

آسیا - آفریقا، امریکای لاتین و منطقه و روابط با کشورهای همجوار - عمداً از نظر انداخته شده است.

سیاست دولت افغانستان در مسئله ملی پشتونستان و بلوچستان از ابتدای تجزیه نیم قاره هند بزرگ تا کنون ارتجاعی، عوامفریبانه و ناکام بوده است و به شیوه اداره استعماری - ظاهراً بنام پشتونستان ولی در حقیقت بخاطر تحکیم ارتجاع قبیلوی و فئودالی در اینطرف و آنطرف خط استعماری دیورند عمل شده است.

سکوت حکومت اعتمادی و حکومت مؤظف عبدالظاهر در خط مشی وی - در برابر سیاست ترور، آدم کشی و اختناق رژیم نظامیگر اسلام آباد، این نماینده مثنی از سرمایه دارن ستمگر پنجابی علیه خلق پشتونستان و بلوچستان و بنگله دیش و عدم گرفتن علاقه به مسأله مهاجرین بنگالی - در واقع به جبن سیاسی و سازش با محافل حاکم پنجابی است که هدف عمده آن جز حفظ قدرت حاکم و ترس از اعتلای جنبش انقلابی متحدانه خلقهای برادر پشتونستان و بلوچستان و خلقهای افغانستان چیز دیگری تلقی شده نمیتواند.

اکنون دیگر وضع سابق منطقه بخصوص از لحاظ مسأله پشتونستان و بلوچستان تغییر کرده است. ایدیالوژی پاکستان رو بزوال است. باید در برابر اوضاع و احوال جدید در منطقه و موج نوین جنبش رهایی بخش خلق های پشتونستان و بلوچستان و افغانستان و مسأله خط تحمیلی استعماری و روبه امحای دیورند، با دقت و همه جانبه، وطنپرستانه و خلاق برخورد کرد و در زمینه شجاعانه خط مشی نوین انقلابی اتخاذ نمود. در حالیکه ما احیای حقوق خلق بزرگ چین را در ملل متحد اصولاً

پشتیبانی می‌کنیم و آنرا به نفع صلح می‌پنداریم و طرفدار حسن همجواری میان افغانستان و چین هستیم ولی آنچه بیشتر باعث تشویش نیروهای ملی و مترقی می‌گردد - موضع‌گیری غیراصولی شووینیزم عظمت طلبانه چین و ماویست‌های شعله افروز، در منطقه و بنگله دیش است که علی‌الرغم ارادهٔ خلق زحمتکش چین از یکسو عملاً بنفع قوای ارتجاعی منطقه و امپریالیزم میانجامد و صلح منطقه را تهدید میکند و از سوی دیگر علیه نهضت‌های آزادی بخش ملی افغانستان، پشتونستان و بلوچستان، پاکستان و تمام کشورهای منطقه متوجه می‌باشد. باید آگاه بود - هرگاه خلق مبارز پشتونستان و بلوچستان امکانات مسالمت آمیز مبارزه را بخاطر آزادی ملی و اجتماعی از دست بدهند، راه دیگری را انتخاب خواهند کرد که در یک جبههٔ وسیع ملی از پشتیبانی بیدریغ خلق‌های قهرمان افغانستان برخوردار خواهند بود.

می‌گویند که بوتو این محرک کشتار وحشیانه صدها هزار مسلمان پاکستان و دشمن پشتون‌ها از کابل دیدن می‌کند؛ اخطار به حکومت افغانستان و بوتوی قاتل، این عامل امپریالیزم و قاصد جنرال‌های خون آشام اسلام آباد که با عکس‌العمل‌های شدید مردم ما چون اگنیو قاصد امپریالیزم روبرو خواهد شد.

دست‌خونین جنرال‌های فاشیست پنجابی از پشتونستان و بلوچستان و بنگله دیش
کوتاه!

پیروزی نهضت آزادیبخش ملی و اجتماعی خلق‌های افغانستان، پشتونستان و بلوچستان در یک جبههٔ وسیع ضد ارتجاع و امپریالیزم!

راستی کتاب "انقلاب سفید"، اثر شاه ایران را خوانده باشند که میگوید: «چطور روزی شاه سلطان حسین صفوی در پایتخت خودش بدست یک مشت دزد قافله زن محاصره میشد.»

ملاحظه کنید! «يك مشت دزد قافله زن» که منظورش افغانهاست شرم بر هیئات حاکمه افغانستان که بازهم داد از غرور ملی و وطنخواهی میزنند و با رژیم حاکم و سازمان جاسوسی ساواک ایران علیه نهضت‌های آزادیبخش خلق های برادر دو کشور افغانستان و ایران را که ریشه های مشترک تاریخی دارد، در زدوبند های شخصی و سیاسی اند. برخورد تسلیم طلبانه در زمینه آب هلمند در برابر شانناژ امپریالیزم امریکا و تهدید نظامی دولت ایران و به هدر رفتن میلیاردها افغانی و در حدود ۲۰۰ میلیون دالر در پروژه وادی هلمند، مهاجرت ده ها هزار هموطن ما به ایران، موضعگیری سازشکارانه در برابر پکتهای سنتو و سیاتو و کرشمه بازی ها با آر، سی، دی همه مبین سیاست کرنش و ضد ملی دولت افغانستان است.

ما بحیث وطن پرست ترین فرزندان افغانستان خاطرنشان می سازیم که ارتجاع راست افراطی و شعله افروزان چپ افراطی، که حتی از استعمال کودکان معصوم و خوردسال ما نیز برای مقاصد زشت و شوم خود شرم ندارند، عملاً در زیر لوای انتی سویتزم در یک جبهه با جناح راست محافل حاکم و سازمان های جاسوسی داخلی و خارجی در تقنین و توطئه اند تا روابط نیک و حسن همجواری افغانستان و اتحادشوروی را بسود ارتجاع و امپریالیزم و شووینیزم برهم بزنند و تمام ثمر بخشی کمکهای اقتصادی و تخنیکي بدون قید و شرط و سهل اتحاد شوروی را که در بیش

از هفتاد پروژه صنعتی، زراعتی و فرهنگی و زیربنای اقتصادی ملی ما صورت گرفته و تقریباً به (۶۰) میلیارد افغانی معادل به بیست ساله عواید حقیقی دولت به اعتبار سال (۹۴) میرسد و با قرضه های استثماری کشورهای امپریالیستی قابل مقایسه بوده نمی تواند بدنام و تخریب کنند و قسداً مانع بزرگی در راه رشد و ایجاد اقتصاد ملی کشور بوجود آورند.

ما بدون اینکه کوچکترین بیم و ترس از اتهامات دروغین و نامردانه مفتریان فرومایه و تحریک اغواگران و توطئه دهشت افکنان داشته باشیم، بحیث پرشورترین وطنپرستان و سرشار از غرور ملی به پیشگاه مردم حق پرست خود بیان میداریم که میزان دوستی و دشمنی ما در برابر کشورهای خارجی بر اساس صلح و آزادی در جهان استقلال و مصالح عمومی خلق و وطن مان افغانستان محبوب بنا یافته است.

بر پایه این اصول وطنپرستانه است که میگوییم: باید از توسعه و تحکیم مناسبات نزدیک افغان - شوروی صریحاً دفاع و پشتیبانی گردد و در برابر تمام دستیاران مرتجع خارجی و کسانیکه وطنخواهی را بصورت عوامفریبانه، مجرد و در چارچوب تعصبات و منافع تنگ نظرانه طبقاتی و ایدیولوژیک خود تبلیغ میکنند و مناسبات ثمربخش هردو کشور مستقل همجوار را ضد منافع ملی افغانستان جلوه می دهند و از فیودالیزم و سرمایه داری دفاع میکنند؛ شجاعانه مقاومت کرد و پرده از چهره شیطانی آنها دور افگند، شارلتانی، دروغ و کذب شانرا در باره افشا و برملا ساخت. زیرا حقایق روشن و ارقام گویا نشان میدهد که روابط نزدیک و صلح جویانه و

دوستانه افغانستان و اتحاد شوروی کاملاً به نفع مردم و وطن ما به مصالح استقلال و ترقی کشور ما مطابقت دارد.

بناغلی دكتور عبدالظاهر! این چگونه سیاست بیطرفی مثبت و فعال و قضاوت آزاد است که نه حکومت‌های سلف شما و نه خود شما در خط مشی تان ابراز نداشته اید که این امپریالیزم و در راس آن امپریالیزم امریکاست که تجاوزکار و جنگ طلب است به ستمگری بر بسیاری خلقهای جهان بشمول خلقهای شریف و سپاه پوستان امریکا ادامه میدهند، و کماکان منبع تهدید دایمی امر صلح و ترقی اجتماعی است، باعث خونریزی در ویتنام و دیگر کشورهای هند وچین می گردد، اسرائیل را علیه خلقهای عرب پشتیبانی می کند. این چگونه قضاوت آزاد است در حالیکه ده ها میلیون خلق کارگر نجیب امریکا، علیه امپریالیزم امریکا عکس العمل جدی نشان میدهد و اسناد سری فجایع پنتاگون را افشا میکنند ولی سیاست «قضاوت آزاد» حکومت مؤظف افغانستان در باره سیاست تجاوزکارانه امپریالیزم امریکا در سکوت محض است.

دولت افغانستان از یکسو از ایجاد روابط با جمهوریت های دموکراتیک و توده ای آلمان، کیوبا، ویتنام و کوریا اجتناب میکند و از سوی دیگر در نزدیکی و ایجاد پیمانهای ایدئولوژیکی با رژیم های مرتجع و وابسته به امپریالیزم تلاش میورزد.

سیاست بیطرفی فعال و مثبت و قضاوت آزاد اینست که دلیرانه شعار دهیم:

اسرائیل باید خاکهای اشغالی اعراب را ترک گوید!

حقوق مهاجرین عرب فلسطین باید اعاده گردد!

مرگ بر امپریالیزم امریکا که اسرائیل اشغالگر را تقویه می کند!

پیروزیاد نیروهای مقاومت فلسطین!

زنده باد دوستی خلق افغانستان و خلقهای عرب در مبارزه علیه امپریالیزم و
صهیونیزم!

استقلال، آزادی و صلح برای ویتنام قهرمان!

امریکایی ها از ویتنام خارج شوید!

در فرجام :

خلقهای افغانستان با تمام خلقهای جهان در مبارزات مشترک در تعرض وسیعتری
علیه قوای ارتجاع و امپریالیزم در اتحاد و وحدت با سه نیروی کبیر عصر ما:
(سیستم جهانی سوسیالیزم، طبقه کارگر بین المللی و جنبش رهایی بخش ملی) بخاطر
صلح استقلال ملی، ترقی، دموکراتیک و سوسیالیزم متحد شوید!

اکنون سوال حیاتی و عمده : راه نجات خلقهای کشور ما از ستم و استثمار طبقاتی
و یوغ ستم ملی و اجتماعی کدام ست و وظایف مبارزه عادلانه ما چیست؟

با عبارات فشرده اعلام می داریم که در نهایت امر، نقطه آشنزای به مبارزه عادلانه
خلق ما عبارت است از: انتقال قدرت حاکم و گرفتن حکومت، شوری و قضا از
دست طبقات ارتجاعی حاکم، بوسیله طبقات و قشرهای دموکراتیک خلق افغانستان

به رهبری طبقه کارگر و پیش آهنگ آن. زیرا حکم آمرانه تاریخ است که باید قدرت سیاسی و اقتصادی ملاکان و سرمایه داران و نفوذ امپریالیزم را از کشور برانداخت، نخست انقلاب دموکراتیک و سپس تحول سوسیالیستی را به انجام رساند.

هموطنان گرانمایه!

بازهم نام سوسیالیزم - که نفوذ روزافزون میان خلقهای مسلمان جهان کسب میکند آتش در جان دشمنان خلق می اندازد و آنرا مزورانه، جاهلانه و فتنه گرانه علیه دین اسلام و خلقهای مسلمان قرار میدهد.

از آنجا که محتوی اساسی دوران ما را انتقال از سرمایه داری به سوسیالیزم تشکیل میدهد لازم میافتد که حقیقت راه سوسیالیزم را به صورت عامه فهم روشن گردانیم:

هموطنان! سوسیالیزم که هدف غائی ماست راه نجاتبخش است که: تمام خلقها را بسر منزل آزادی، خوشبختی، عدالت و معنویات عالی می رساند؛ آزادی انجام مراسم مذهبی را برسمیت می شناسد؛ به عقاید دینی احترام می گذارد؛ زن و خانواده را محترم می شمارد؛ خصوصیات و سنن ملی را رعایت میکند؛ حق مالکیت شخصی بر عواید دسترنج افراد و حق وراثت ناشی از آنرا بوسیله قانون حفظ می نماید؛ طی زمان کوتاه کشور را صنعتی می سازد؛ به ستمگری ملی و استثمار انسان از انسان پایان می بخشد، بیکاری، قحطی، قیمتی، فقر، بیماری، بی سوادی و بحران های اقتصادی را کاملاً از بین می برد، صحت و معارف را برای همگان تأمین مینماید، به دهقانان زمین آب و نان میدهد، سطح عالی زندگی مادی و معنوی را برای طبقه

کارگر و همه توده های مردم تأمین میکند؛ خلق را از ظلمت و جهل بیرون می کشد، علم و تخنیک را ترقی میدهد، جامعه نوینی می سازد که در آن نه ثروتمند باشد و نه فقیر، نه ظالم باشد و نه مظلوم، همه باید کار کنند و از زحمت خود و کار اجتماعی استفاده کنند، نه اینکه مشت قلبی از ملاکان، سرمایه داران، زمامداران و بیورکراتهای ستمگر و رشوه خوار بحساب رنج و عذاب و خون میلیونها نفر، ثروتمند شوند و در کرسی های قدرت دولت تکیه زنند. ولی برای رسیدن به این مرحله تاریخی و وظیفه ماست تا در انجام پیگیر انقلاب دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی، در راه ایجاد جبهه متحد ملی و دموکراتیک ملی از طریق تکامل مترقی غیرسرمایه دری مجدانه مبارزه کنیم.

در خاتمه خلق رنجیده افغانستان! نباید به زمامداران و حکومتهای که روی فشار، خارج از اراده ملی شما خلق زحمتکش بوجود می آید اعتماد و باور کرد. فقط زمامداران و حکومتهای که از درون خلق و در خدمت خلق و از میان طوفانهای مبارزه رهایی بخش خلق - پاک و با تقوی با ایمان و انقلابی بیرون می برایند، می توان اعتماد و باور کرد.

خلق ستمیده وطن - طبقات حاکم داوطلبانه از قدرت خود صرف نظر نمیکنند، باید بخاطر نجات تان بیدار شوید، با هم متحد و متشکل شوید؛ دشمنان آشتی ناپذیر و خدمتگاران صدیق تانرا بشناسید؛ بی ترس مبارزه کنید.

با مشت پولادین خلق میتوان دشمنان خلق را درهم شکست و تمام خائنین به ملت را سرنگون ساخت!

خشم مقدس خلق، خشم انقلابی نیرومندی در جامعه ما ذخیره است. باید برای رسیدن به این آرمانهای عالیله خلق صادقانه، یکپارچگی و همبستگی سازمان واحد سرتاسری طبقه کارگر افغانستان را تحت پرچم سازمان واحد دموکراتیک خلق افغانستان بیشتر و بازم بیشتر تحکیم بخشید. ما از صمیم قلب با تمام نیروی ملی وطن پرست دموکراتیک و ترقی خواه در چوکات اصول و در تحت پلتفورم مرام مشترك، علیه دشمنان مشترك، طالب اتحاد و وحدت هستیم.

باید به تفرقه جویی خاتمه داد!

باید ارگانهای نشراتی دموکراتیک خلق افغانستان - جراید خلق و پرچم خلق که خلاف قانون قید شده اند آزاد گردند.

باید زندانیان سیاسی از حبس رها شوند!

رفقا! پرچمداران پیکارجوی دموکراتیک خلق افغانستان بشما هشیارباش می دهیم که دشمنان داخلی و خارجی ما فوق العاده فتنه انگیز حيله گر و بي رحم اند و شما را بحیث وطنپرست ترین، آشتی ناپذیرترین، انقلابی ترین و اصولی ترین نیروی سیاسی کشور تشخیص داده اند و در لست سیاه گرفته اند و با تمام قدرت تلاش میورزند که در مرحله اول در صفوف شما تفرقه و بی اعتمادی ایجاد کنند، نیروهای شما را از درون منفجر سازند و اراده مبارزه شما را بحیث پرچمداران و پیش آهنگ نهضت انقلابی خلق افغانستان فلج سازند. درینجاست که باید با هشیاری و شجاعت و اصولیت در صفوف تان برخورد کنید و علیه هرگونه انحرافات چپ و راست برزمید.

عمال دشمن را در میان خود راه ندهید، وحدت و همبستگی تانرا چون مردمک چشم خود حفظ کنید، ایدیولوژی علمی و سازمان تانرا پاک و منزه نگهدارید. دشمنان تان ظاهراً نیرومند ولی محکوم به زوال است؛ چون دلاوران پیشتاز به پیش روید؛ به رنج های خلق باندیشید و بوطن عشق بورزید، جانهای ما در راه خدمت بوطن، و افغانستان پرافتخار و خوشبختی خلق گرانمایه ما وقف باد!

خلق کارگر کشور! جوانان وطن پرست! در هر کجای وطن که هستید هوشیارانه و فعالانه در نهضت شرکت کنید از تسلیم طلبی و ماجراجویی هردو احتراز کنید و به استناد قانون اساسی مبارزه را در دفاع از آزادی های مصرح در قانون اساسی، علیه قحطی، و قیمتی علیه محترکین و سودخوران و رشوه خوران، علیه استثمار وحشیانه ملاکین و کارفرمایان، علیه تاجران بزرگ و ماموران ستمگر، علیه مظالم حکومت و اداره فاسد و شکنجه دهنده دولت، علیه تمام قوانین و اعمال ضد خلق و ضد دموکراتیک - سازمان دهید.

شعار لغو تمام قرضهای سرسود فاحش دهقانان، وضع و اجرای قوانین مترقی کار، دهقانی و اجاره داری، مالیه مترقی و مستقیم بنفع مردم، شعار حق کار، حق تحصیل، نان، آب و زمین را هرچه رساتر و رساتر سازید! فریاد تانرا بی ترس بلندتر کنید! مبارزه مرگ و زندگیست. حق داده نمیشود؛ حق گرفته می شود! مبارزه علیه مرتجعین، مستبدین، خائنین و عاملین دشمن، برحق است.

اکنون در کشور ما نبرد طبقاتی و جنگ بین کهنه و نو، حق و باطل ترقی و ارتجاع، آزادی و استبداد و عکس العمل مردم علیه حکومت، شوری و قضا علناً

آغاز یافته است؛ کسی بخواهد یا نخواهد نهضت انقلابی کشور ما قهراً و جبراً رشد میکند.

در اخیر بگذار تمام نیروهای وطنپرست و ترقی خواه کشور در یک سنگر پیکار عادلانه متحد شوند در پیوند با خلق و در خدمت خلق نیرومندتر رشد کنند، قدم بقدم، موج به موج، از یک پیروزی به پیروزی دیگر به پیش روند و سرانجام به دژ استبداد و ارتجاع فئودالی و امپریالیستی این دشمنان غدار خلق کشور ما قهرمانانه یورش برند و آنها را سرنگون سازند.

بگذار پرچم کبیر مبارزه بخاطر ایجاد افغانستان، افغانستان نوین، افغانستان مقتدر و واحد که در آن نه ثروتمند باشد و نه فقیر، نه ظالم باشد و نه مظلوم، در اهتزاز درآید. وحدت و همبستگی خلقهای برادر کشور ما، ضامن پیروزی آینده ماست. زنده باد خلق افغانستان.

زنده باد سازمان سیاسی دموکراتیک خلق افغانستان این اصیل ترین سازمان پیش آهنگ و رزمنده طبقه کارگر و تمام خلق کشور!

از قربانی لازم نباید تر سید! بی هراس و با عزم راسخ تحت پرچم ظفر آفرین خلق، تحت پرچم اندیشه های پیشرو عصر ما به پیش! پیروزی حتماً از آن خلق ماست!

این هوشدارباش، خواست و شعار با گذشت بیش از چهل و پنجسال، با تمام اهمیت و ضرورت آن پابرجاست!

رفقا! پرچمداران پیکارجوی دموکراتیک خلق افغانستان بشما هشیارباش می دهیم که دشمنان داخلی و خارجی ما فوق العاده فتنه انگیز حیلہ گر و بی رحم اند و شما را بحیث و وطنپرست ترین، آشتی ناپذیرترین، انقلابی ترین و اصولی ترین نیروی سیاسی کشور تشخیص داده اند و در لست سیاه گرفته اند و با تمام قدرت تلاش میورزند که در مرحله اول در صفوف شما تفرقه و بی اعتمادی ایجاد کنند، نیروهای شما را از درون منفجر سازند و اراده مبارزه شما را بحیث پرچمداران و پیش آهنگ نهضت انقلابی خلق افغانستان فلج سازند. درینجاست که باید با هشیاری و شجاعت و اصولیت در صفوف تان برخورد کنید و علیه هرگونه انحرافات چپ و راست برزمید. عمال دشمن را در میان خود راه ندهید، وحدت و همبستگی تانرا چون مردمک چشم خود حفظ کنید، ایدیولوژی علمی و سازمان تانرا پاک و منزه نگهدارید. دشمنان تان ظاهراً نیرومند ولی محکوم به زوال است؛ چون دلاوران پیشتاز به پیش روید؛ به رنج های خلق باندیشید و بوطن عشق بورزید، جانهای ما در راه خدمت بوطن، و افغانستان پرافتخار و خوشبختی خلق گرانمایه ما وقف باد!

انتشارات راه پرچم:

<http://rahparcham.org/>